

فرا رسیدن هزاره سوم میلادی فرخنده باد! شادباش به هم میهنان مسیحی

هیأت تحریریه «نامه مردم» فرا رسیدن هزاره سوم میلادی را به همه هم میهنان مسیحی از صمیم قلب تبریک می گوید و شادکامی و بهروزی برای آنان آرزومندست. باشد که سال ۲۰۰۰ میلادی برای هم میهنان مسیحی ما سال تحقق آرمان های انسانی رهایی از بندهای استبداد قرون وسطایی حاکم، سال استقرار آزادی و عدالت اجتماعی و سال پایان تبعیضات مذهبی و ملی باشد. بی شک تحقق چنین آرمان هایی در گرو پیکار مشترک ما بر ضد رژیم واپس گرا و استبدادی «ولایت فقیه» است.

هیأت کمیته مرکزی حزب توده ایران در نشست بزرگ احزاب کارگری و کمونیستی اروپا، مدیترانه و خاورمیانه

در صفحه ۴

نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۷۳، دوره هشتم
سال شانزدهم، ۳۰ آذر ماه ۱۳۷۸

امپریالیسم و دریای خزر

در ۱۸ نوامبر، در جریان اجلاس سازمان امنیت و همکاری اقتصادی، در استانبول، توافق نامه بی میان ایالات متحده، ترکیه، گرجستان و جمهوری آذربایجان به امضاء رسید که تبعات بسیار جدی برای تحولات آتی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و همچنین ایران در پی خواهد داشت.

توافق رسمی برای ساختمان خط لوله انتقال گاز و نفت از حوزه دریای خزر به غرب، از طریق ترکیه، عملاً پایان یک مرحله تعیین کننده مبارزه برای استقلال اقتصادی سیاسی کشورهای این منطقه بود که به نفع امپریالیسم آمریکا پایان گرفت. خط لوله باکو - جیحان که ظرفیت صدور یک میلیون بشکه نفت در روز را خواهد داشت، عملاً کنترل ایالات

در صفحه ۸

حزب توده ایران و انتخابات مجلس

- با ترفندها و توطئه های نیروهای ارتجاعی چگونه باید مقابله کرد؟
- وظیفه نیروهای مترقی و آزادی خواه در اوضاع حساس کنونی چیست؟
- در صورت اعمال نظارت استصوابی و حذف نامزدهای مستقل و مخالف انحصار و استبداد چه باید کرد؟

مترقی و آزادی خواه نیست. با وجود این، روشن است که انتخابات ششمین مجلس شورای اسلامی در اوضاع بسیار متفاوتی از انتخابات پنجمین دوره مجلس برگزار می شود. بیش از دوسال پس از پیروزی بزرگ توده ها در دوم خرداد ۱۳۷۶ و شکست سنگین ولی فقیه و نامزد انتخاباتی او، جنبش مردمی راه درازی را طی کرده است، و با گذشتن از فراز و نشیب های پیکار سخت و خونین با ارتجاع حاکم تجربیات مهمی را اندوخته است. پیروزی بزرگ مردم در انتخابات شوراهای شهر و روستا که در آن هزاران نامزد مستقل و ضد استبداد و ارتجاع حاکم، از شهرهای گوناگون توانستند با شکست سنگین نامزدهای «ذوب در ولایت» اکثریت کرسی های شهرها و روستاهای کشور را بدست آورند، نشان داد که می توان با استفاده خلاق از شرایط و با به کار گیری تاکتیک های موثر مبارزاتی، ارتجاع را به عقب راند.

دومین مسئله این است که، برای ارتجاع حاکم، خطر از دست دادن کنترل مجلس، به عنوان نهاد قانون گذار کشور، از چنان اهمیتی برخوردار است، که آنها آماده اند برای حفظ آن به هر ترفند و توطئه بی دست بزنند. یورش به روزنامه های مدافع جنبش دوم خرداد، دستگیری و محاکمه کسانی همچون عبدالله نوری، به جرم مخالفت با «ولایت و نظام»، و تلاش برای اعمال وسیع و «قاطع» نظارت استصوابی به منظور حذف

ادامه در صفحه ۶

با پایان یافتن مهلت ثبت نام نامزدهای انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی، مبارزه بر سر انتخابات مجلس شورای اسلامی وارد مرحله نویی شد. بر اساس آخرین گزارش ها، ۶۸۶۰ نفر به عنوان نامزد انتخاباتی در تهران و شهرهای گوناگون کشور ثبت نام کرده اند. از این تعداد ۵۰۴ نفر زن و ۶۳۵۶ نفر مرداند. درصد نامزدهای زن در شهر قم ۱۶/۷ درصد است که بالاترین رقم نامزدهای زن در ایران است. در استان تهران ۱۲۷۳ نفر نامزد انتخابات شده اند که از این تعداد ۱۵۳ نفر از زنان اند (ایرنا، ۲۷ آذرماه ۱۳۷۸). مسأله انتخابات، از ماه ها پیش، یکی از مهم ترین موضوع های مورد بحث و بررسی نیروهای سیاسی کشور بوده و است. در این زمینه مسایل گوناگونی باید مورد توجه قرار گیرد. نخستین مسئله این است که انتخابات دوره ششم مجلس در اوضاعی انجام می گیرد که، هنوز نیروهای استبدادی اهرم های اساسی حاکمیت سیاسی را در کنترل خود دارند و آنها از تمامی اهرم های «قانونی» استفاده خواهند کرد تا اجازه ندهند اراده و رأی مردم در این انتخابات اعمال شود. ادامه جو سرکوب و خفقان بر ضد نیروهای آزادی خواه، مترقی و دگراندیش، بی شک مانع از آن خواهد شد تا شمار زیادی از نمایندگان توده ها، در این انتخابات شرکت کنند، و از این منظر، از هم اکنون روشن است که این انتخابات، آن انتخابات آزاد و مورد نظر نیروهای

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

دکتر پیمان و انتخابات

مجلس: ضرورت تشکیل جبهه

مردمی در ص ۲

دکتر پیمان و انتخابات مجلس: ضرورت ایجاد

جبهه وسیع مردمی

دانشگاه و چه در میان مردم می باشد... در انتخابات مجلس ششم برخلاف دوره های قبل جریان راست بازار و بورژوازی تجاری و حوزه متحد آنها شانسی برای کسب پیروزی ندارد... دکتر پیمان در پاسخ به این سؤال که «به نظر شما نیروهای ملی - مذهبی بهتر است با چه اهدافی در انتخابات آینده فعالیت کنند؟»، می گوید: «نیروهای ملی - مذهبی برای طرح دیدگاه های خود بیش از هر چیز نیازمند فضایی جهت ارتباط نزدیک تر و فعال تر با مردم هستند. هرچند همه محدودیت های ادوار قبل بر ضد آنان ادامه دارد... نیروهای ملی - مذهبی باید از فرصت انتخابات برای بیان حقایق و خواسته های مردم که در جریان مطرح نمی شود و در نزاع فیما بین جناح ها نیز مطرح نیست استفاده کنند. حضور این نیروها باید هماهنگ و متحد و به صورت جبهه ای باشد تا بیشترین تأثیر را در جلب اعتماد عمومی و تحولات جاری برجای بگذارد. خواسته اصلی این نیروها باید منطبق با خواست اساسی همه نیروهای مولد (فکری و یدی) جامعه باشد. آنان خواستار آزادی برای همه مردم، امنیت اقتصادی، قضایی و اجتماعی برای همگان و حق مساوی مشارکت برای کلیه قشرها و طبقات اجتماعی - که در تولید ارزش افزوده فعال و سهم اند، هستند. این خواسته ها نیروهای ملی - مذهبی را با قشرهای مولد جامعه، روشنفکران و دانشجویان، کارگران، صنعتگران و دانشگاهیان پیوند می دهد و جبهه بزرگی را پدید می آورد که مدافع راستین آزادی، حاکمیت ملی و مردمسالاری و عدالت اجتماعی باشد.»

مجله «ایران فردا»، شماره ۶۱ در مصاحبه بی با دکتر پیمان نظرات او را پیرامون انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی جویا شده است. دکتر پیمان در این مصاحبه در پاسخ به این سؤال که «آیا از نظر شما شرایط سیاسی - اجتماعی در انتخابات مجلس ششم تفاوت جدی با انتخابات ادوار پیشین دارد؟»، می گوید: «واضح است که تفاوت های جدی وجود دارد، برخی کم اهمیت، و بعضی پر اهمیت است. انتخابات مجلس ششم بعد از رویدادهای مهمی چون دوم خرداد ۷۶، قتل های زنجیره ای روشنفکران و مخالفان و فاجعه حمله به کوی دانشگاه تهران انجام می گیرد. این حوادث در تغییر فضای سیاسی کشور مؤثر بودند. همچنین دولتی معتقد به حاکمیت قانون و متعهد به تأمین آزادی و احترام به حقوق اساسی شهروندان بر سر کار آمده، تضادهای میان جناح های در قدرت تشدید شده، جناح تازه ای شکل گرفت و روزنامه هایی انتشار یافت که بیش از بقیه از شعار آزادی و جامعه مدنی دفاع می کنند، مردم از حقایق بیشتری درباره جنایت ها و جرایم مطلع شده اند که در درون نهادهای اطلاعاتی علیه مخالفان فکری و سیاسی حاکمیت برنامه ریزی و اجرا می شود. در نتیجه راست ها به شدت تضعیف گردیده اند.» دکتر پیمان در ادامه همین بحث اضافه می کند: «تحول دیگر، افزایش فوق العاده دیدگاه های سیاسی و فکری در جامعه، فشار و اصرار بیشتر مردم برای دست یابی به حقوق پایمال شده، رهایی از قیومیت اشخاص، افزایش پتانسیل جنبش دانشجویی برای تأثیر گذاری در سرنوشت انتخابات و تقویت گرایش های مستقل از جناح بندی های حاکم و احزاب رسمی دولتی چه در



بررسی
رویدادهای
ایران

طرح موضوع کودتای

پارلمانی برای ایجاد نوفان سیاسی

روزنامه «عصر آزادگان»، ۲۳ آذرماه ۱۳۷۸، در مصاحبه بی با برخی نیروهای مدافع دولت واکنش آنان را در قبال سخنان تهدید آمیز رحیم صفوی، سرپاسدار رژیم ارتجاع جویا شده است. بر اساس گزارش همین روزنامه محمد رضا خباز، چهره شاخص جناح اقلیت مجلس در گفت و گو با خبرنگار این روزنامه از جمله گفته است: «اگر منظور آقایان از کودتای پارلمانی رأی مردم است... باید بر چنین فکر و اندیشه ای تأسف خورد، ولی اگر منظورشان از کودتای پارلمانی این است که مردم به یک اجماع رسیده اند و دیگر به تفکری که در تقابل تفکر رئیس جمهوری باشد رأی نخواهند داد باید گفت حرفشان درست است و ما نیز چنین عقیده ای داریم... چنین امری دیگر کودتای پارلمانی نیست و تغییر مجلس از یک دید سنتی به نگرشی نوگرا و مرفقی محسوب می شود.» بر اساس همین گزارش ایلاس حضرتی، نماینده مجلس و از طرفداران دولت نیز در عکس العمل به سخنان صفوی از جمله گفت: «مطرح کردن مسایلی از قبیل بروز کودتای پارلمانی ایجاد مقدمه برای برخورد شدید با انتخابات و نیز ایجاد محملی مناسب برای توجیه نحوه حذف کاندیداهای اصلاح طلب است.»

باهنر و تعریف اردوگاه دشمن

محدود شدن نیروهایی که به طرفداری از ولایت مطلقه فقیه پایبند هستند، چالشی را برای این نیروهای ضد آزادی و طرفدار استبداد به وجود آورده است که با گسترش و ژرفش هر چه بیشتر جنبش مردمی، آنها را بعضاً به عکس العمل هایی وادار می کند که به نوبه خود قابل تعمق است و اوج بحران در بین نیروهای ارتجاعی را مشخص می کند. روزنامه همشهری در جواب محمد رضا باهنر که گفته بود داستان همکار سابق ما عبدالله نوری که در حال حاضر در اردوگاه دشمن به سر می برد نیز بر این مبناست می نویسد: «آقای باهنر آیا شما واقعا عبدالله نوری را در جبهه دشمن می دانید؟ آیا اگر در اعتقاد خود راسخ هستید، می پذیرد که ۵۰۰ هزار نفر از مردم تهران که به عبدالله

نوری رای دادند تا به عنوان فرد نخست به شورای اسلامی تهران راه یابد خطا کردند؟ آیا رئیس جمهوری که عبدالله نوری را تایید و خواستار این شد که مردم از خدمات او در مدیریت کشور محروم نشوند نیز در جبهه دشمن است؟ آیا سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، جبهه مشارکت اسلامی، حزب کارگزاران سازندگی، مجمع روحانیون مبارز، حزب همبستگی اسلامی، هزاران دانشجوی بیدار و شجاع، صدها شخصیت برجسته فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، آیت الله صانعی، موسوی اردبیلی، آیت الله طاهری، صدها مدرس، طلبه حوزه های علمیه و ... نیز در جبهه دشمن هستند؟ اگر این گونه است دوست شما کیست؟»

روحیه اعتدال و مصلحت «نظام» علت شرکت در انتخابات

اطلاعات بین المللی دوشنبه ۱۵ آذر به نقل از روزنامه «اخبار اقتصاد» سخنان فائزه هاشمی را که در آن به تشریح علت شرکت هاشمی رفسنجانی در انتخابات پرداخته است، از قول او می نویسد: «اگر آقای هاشمی رفسنجانی تصمیم بگیرند در انتخابات آینده حضور یابند به خاطر اعتقاداتشان و مصلحت نظام است و ایشان از حذف یک جریان استقبال نمی کنند.» وی در مورد علت شرکت پدرش در انتخابات مجلس ادامه داد: «طبیعتاً به خاطر فشارهایی که روی ایشان هست و از جاهای مختلف با ایشان تماس گرفته می شود، ایشان شرایط کشور را می سنجند که به کدام سو می رود و بعد تصمیم می گیرند.»

وی علت فشارها را ناشی از مبهم بودن شرایط موجود دانست و معتقد است حمایت از رفسنجانی از سوی طرفداران ذوب در ولایت به این خاطر است که از طریق حمایت از او وارد مجلس شوند. وی در مورد دلیل این امر گفت: «آقای هاشمی رفسنجانی به خاطر روحیه اعتدالی که دارند هر جا که حضور داشته اند فراجناحی عمل کرده و با حذف یک جناح موافق نیستند.»

پنجاه و چهارمین سالروز نهضت مردم آذربایجان

این بود که بین دولت راجع به طرز اداره نمودن قسمتی از مملکت با اهالی آنجا اختلاف حاصل شده است. باید با اهالی محل داخل مذاکره شد، شاید اختلاف را بتوان با خود آنها حل کرد...». و حزب ایران نیز در روزنامه «جبهه آزادی» شهریور ماه ۱۳۲۵ نوشت: «ما نهضت دموکراتیک آذربایجان را برای سعادت ایران لازم دیدیم در همان موقع که دشمنان ایران حزب دموکرات آذربایجان را تجزیه طلب معرفی می کردند، ما راه خود را گرفتیم و هرگز فریب این نغمه ها را نخوردیم و نهضت دموکراتیک آذربایجان را اسلحه آزادی خواهان ایران شناختیم...».

جنبش مردم آذربایجان در مدت کوتاه حکومت ملی، به رهبری زنده یاد میرجعفر پیشه وری، تغییرات مهمی را در زندگی توده های رنج و زحمت به وجود آورد. اصلاحات ارضی به نفع دهقانان بی زمین، بهداشت و آموزش رایگان، اعطای حقوق برابر به زنان، برگزاری انتخابات آزاد، ایجاد انجمن های شهر و ولایت به شکل دموکراتیک، ایجاد اتحادیه های صنفی و جز اینها، از جمله دست آوردهایی بود که می توان به آنها اشاره کرد. در پنجاه و چهارمین سالگرد نهضت مردم آذربایجان برای دموکراسی و عدالت اجتماعی، حزب توده ایران از بدو شروع این نهضت تاکنون، پیگیرانه از آن دفاع کرده است و نقش ارزنده آن را در مبارزات مردم میهن مان ایران، برای توده های مردم، در دیگر نقاط روشن ساخته است.

در کنار این تلاش های نیروهای ارتجاعی شمار دیگری از نیروهای بریده از جنبش نیز در سال های اخیر تلاش کرده اند که ضمن دفاع نمایی از جنبش مردم آذربایجان دلیل شکست آن را وابستگی به اتحاد شوروی ارزیابی کنند. چنین ارزیابی هایی تاریکی ندارد و در واقع روی دیگر سکه لوٹ کردن و لجن پراکنی بر نهضتی است که برای رهایی مردم آذربایجان پیکار کرد و در این عرصه قربانیان بی شماری داد.

امروز پس از گذشت پنجاه و چهار سال و در پی فروپاشی اتحاد شوروی و اوضاع بشدت بحرانی منطقه بیش از پیش روشن است که برای ارتجاع و امپریالیسم حکومت هایی همچون حکومت ملی آذربایجان، چه خطر و سدی در مقابل نقشه های غارتگرانه آنها بودند و چگونه برای نابودی اندیشه های مترقی و پیشرو توطئه کردند.

اما بر خلاف تصور ارتجاع و امپریالیسم اندیشه های مترقی و پیشرو در راه آزادی، و عدالت اجتماعی در هر دو آذربایجان نه تنها نابوده نشده است بلکه بار دیگر در حال رشد و نضج گیری است. ما ضمن گرامی داشت این جنبش تاریخی و خلقی و درود به شهدای جاودانه این نهضت، به مبارزه خود در راه تحقق حقوق ملی خلق های ایران ادامه می دهیم.

۲۱ آذرماه امسال، مصادف با پنجاه و چهارمین سالروز قیام تاریخی خلق آذربایجان، به رهبری فرقه دموکرات آذربایجان است، که از نظر تاریخی جایگاه ویژه ئی در مبارزات رهایی بخش میهن ما دارد، و اثرات و آرمان های آن همچنان در قلوب هم میهنان آذری ما زنده و پابرجاست. نهضت آذربایجان، مبارزه توده های محروم، کارگران، دهقانان و پیشه وران این خطه برای رهایی از یوغ استثمار و استبداد بود.

پنجاه و چهار سال پس از جنبش مردمی و دموکراتیک در آذربایجان، بازماندگان رژیم فاسد پهلوی هنوز با وقاحت تمام و در حالی که خیانت آشکار آنها به منافع ملی مردم میهن مان ایران، از هر پرده ای بیرون افتاده است، سرکوب و به خون کشانیده شدن این جنبش مردمی را که در طول یک سال منشاء خدمات برجسته و مهم در جهت منافع تمامی مردم بود را، از افتخارات دوران ننگین حکومت خود تلقی می کنند.

رژیم وابسته شاه، همراه با پشتیبانی امپریالیست ها، به دلیل خصلت دموکراتیک و مردمی جنبش آذربایجان و این که ادامه، رشد و گسترش این جنبش می توانست تاثیرات مثبت بر دیگر نقاط میهن ما بگذارد، در یک اقدام هم آهنگ و از قبل برنامه ریزی شده، و به بهانه جلوگیری از «تجزیه» ایران و با استفاده از ارتش و نیروهای مزدور، سرکوب خونین جنبش آذربایجان و سپس جنبش مردم کردستان را سازمان دادند. اتهام «تجزیه طلبی» به مردمی که در طول تاریخ مبارزات میهن مان ایران، ثابت کرده اند که از مدافعان پایدار حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران هستند و به همین دلیل در مقاطع مهم تاریخی، نقشی حساس و بسیار ارزنده را در این راه ایفا کرده اند، خود دلیلی دیگر بر پوچی این ادعا های توخالی است. وطن فروشان حاکم پس از سرکوب جنبش و انجام این جنایت و خیانت آشکار، هنوز حتی یک سند و یک نقل قول و یا نوشته ای که نشان دهنده و اثبات کننده این امر باشد، در هیچ کجا ارائه نداده اند. در واقع هراس مرتجعان حاکم از این جنبش، نه به دلیل واهی «تجزیه طلبی»، بلکه به دلیل دست آوردهای این جنبش به نفع زحمتکشان بود که، در تضاد کامل با منافع مزدوران حاکم قرار داشت.

امروز شواهد تاریخی انبوهی در رد این تبلیغات واهی و دروغ وجود دارد که در دسترس همگان قرار دارد. حتی سیاستمداران وقت و ملی ایران در رد چنین تهمت های سراسر واهی ایستادند و علیه آن اعلام موضع کردند. دکتر مصدق در جلسه ۱۹ دی ماه مجلس شورای ملی خطاب به حکیمی نخست وزیر وقت از جمله گفت: «نظریات من

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

هیأت کمیته مرکزی حزب توده ایران در نشست بزرگ احزاب کارگری و کمونیستی اروپا، مدیترانه و خاورمیانه

گردهمایی قبرسی سرفصلی جدید در مبارزه نیروهای چپ در دفاع از خلقها و بر ضد نظامیگری امپریالیسم!

رفیق کریستوفیاس سپس افزود: «جهان یک بار دیگر به سمت چپ گرایش می یابد، و برای مسدود کردن پیشروی نیروهای ارتجاعی، و طرح ریزی چشم اندازهایی برای آینده بی بهتر، بر پایه اصول آزادی، دموکراسی واقعی، احترام به حقوق بشر و عدالت اجتماعی، به مبارزه نیروهای مترقی و پیشرو چشم امید دارد. ما وظیفه داریم که به این انتظارات به بهترین شکلی، بر پایه سنت های مبارزاتی مان، اصول انسانی ایدئولوژی مان، که با تجربیات مثبت و منفی گذشته غنی، و از همه مهم تر نوسازی و رزمنده تر شده اند، پاسخ بدهیم.» رفیق کریستوفیاس در خاتمه سخنرانی خود اضافه کرد: «رفقا، ما به آینده جهان و آینده چپ خوش بین هستیم. آنچه که مسیر بشریت را مشخص می کند عقب گردها و موفقیت موقت نیروهای محافظه کار ارتجاعی نیست، مسیر آینده بشریت را پیشرفت و نوآوری، که نیروهای مترقی همیشه با خود به ارمغان می آورند، مشخص می کند. اندیشه چپ برای ترقی و سوسیالیسم با آینده بشریت منطبق و همراه است.»

در سخنرانی های هیأت های نمایندگی احزاب شرکت کننده، بسیاری از زوایای مبارزه مردم جهان برضد جنگ و در دفاع از حق خلق ها به طرح ریزی مسیر رشد خود، بر اساس ویژگی های اجتماعی، اقتصادی و تاریخی جوامع، مورد بحث قرار گرفت. در ادامه، بخش هایی از سخنرانی های نمایندگان احزاب کمونیست یونان و آلمان ذکر می شود. متن سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در شماره آینده منتشر خواهد شد.

رفیق الیاس لگاریس، نماینده کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان، در سخنرانی خود، در اشاره به فاصله فزاینده قطب های ثروت و فقر، گفت: «تحلیل و ارزیابی دقیق اوضاع کنونی توسعه سرمایه داری در اروپا، توسعه غیر متوازن آن در کشورهای مختلف، و همچنین رابطه این عدم توازن با جنبش های جدایی طلبانه، حتی در میان «هسته اصلی» اتحادیه اروپا، از اهمیت ویژه ای برخوردار است... در رابطه با مساله بالا، ما معتقدیم که سوال اصلی که باید به آن پاسخ داد اینست که، آیا به اصطلاح جهانی شدن به تسلیم خلق ها و یا بازسازی و رشد جنبش های مردمی به منظور مقابله با انحصارات و امپریالیسم منجر خواهد شد؟»

رفیق هاینس اشتر، صدر حزب کمونیست آلمان، در سخنرانی خود در گردهمایی، در رابطه با جهانی شدن، گفت: «شرکت های فراملی به کارگران کشورهای پیشرفته سرمایه داری که از دستمزد بهتر و تشکل بالاتری برخوردارند فشار می آورند. هدف ایجاد یک رقابت مخرب بین طبقه کارگر کشورهای مختلف است... تفاوت بین کشورهای فقیر و غنی در حال رشد است. کشورهای ثروتمند، که یک پنجم جهان را تشکیل می دهند، امروز بیش از ۸۴/۷ درصد تولید ناخالص جهان و ۸۴/۲ درصد تجارت جهان را در کنترل دارند، این مسئله همچنین در کشور ما صحت دارد: ۷۹ درصد ثروت مالی در آلمان فدرال در دست ۵ درصد جمعیت متمرکز است.»

رفیق اشتر اظهار داشت: «مهم است که توجه کنیم که سرمایه داری انحصاری امروز با نمونه های سال های دهه پنجاه و شصت متفاوت است.

دومین گردهمایی احزاب چپ اروپا، مدیترانه و خاورمیانه، در روزهای ۱۹ تا ۲۱ آذر ماه، در شهر ساحلی لیماسول، قبرس، و به میزبانی حزب زحمتکشان مترقی قبرس آکل، برگزار شد. ۴۸ حزب و جنبش ترقی خواه از ۲۹ کشور آفریقا، خاورمیانه و اروپا در این گردهم آیی شرکت داشتند. برگزاری این گردهمایی ۴ سال پس از اجلاس قبلی، که در بارسلون انجام گرفت، نماینگر اهمیت موضوعات مورد بحث، و تصمیم گیری و توجه روز افزون نیروهای مترقی به مساله هماهنگی و همکاری در مبارزه برای صلح و برضد برتری طلبی امپریالیسم است. احزاب کمونیست عراق، اردن، لبنان، اسرائیل، سوریه، ارمنستان، یونان، جمهوری چک، فرانسه، آلمان، ایتالیا، پرتغال، اسپانیا، انگلستان، فدراسیون روسیه، مجارستان، یوگسلاوی، سان مارینو، اوکراین و قبرس در کنار احزاب چپ از کشورهای بلغارستان، سوئد، مراکش، فنلاند، و نمایندگان گروه ها و احزاب چپ در پارلمان اروپا در کنفرانس حضور داشتند. هیأت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز از جمله هیأت های فعال شرکت کننده در این گردهم آیی مهم بود. هیأت نمایندگی حزب ما، به موازات شرکت در مباحثات اصلی، در جلسات متعددی، که عمدتاً به خواست احزاب گوناگون برگزار شد، احزاب شرکت کننده را در جریان تحلیل تحولات ایران، مبارزات مردم میهن و آماج های مبارزاتی جنبش آزادی خواهانه میهن ما قرار داد. ارائه ترجمه اسناد اساسی حزب، سیاست های برنامه ای و مبارزاتی در میان همه هیأت های شرکت کننده با استقبال فراوان روبه رو شد. در ملاقات هیأت نمایندگی حزب توده ایران با اعضای هیأت سیاسی آکل در رابطه با اوضاع دو کشور و تقویت همکاری های عملی دو حزب برادر تبادل نظر صورت گرفت.

گردهمایی احزاب، بررسی مسایل مهم جهانی، از جمله بحران ناشی از حمله نظامی ناتو به یوگسلاوی و عواقب آن، جهانی شدن و تشدید فاصله «شمال و جنوب» و همچنین ارتباط بین نظامی گری امپریالیستی و گسترش تسلط انحصارها بر اقتصاد کشورهای جهان در دستور کار خود داشت. گردهمایی، با سخنرانی رفیق دمیتریس کریستوفیاس، دبیرکل کمیته مرکزی آکل، افتتاح شد. رفیق کریستوفیاس، پس از خوش آمد گویی به هیأت های نمایندگی شرکت کننده، و تأکید بر این امر که اکنون جلسات احزاب چپ اروپا و مدیترانه نهادینه شده، به اوضاع جهانی در حال حاضر اشاره کرد. او خاطر نشان کرد: «جلسه ما فقط چند روز قبل از آغاز قرن ۲۱ و در مرحله ای بحرانی از تاریخ بشریت انجام می گیرد. فروپاشی اتحاد شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیستی در اروپای شرقی یک عقب گرد جدی در سیر تکاملی تمدن بشری بوده است.» او پس از اشاره به اثرات این عقب گرد در تهاجم امپریالیستی سال های اخیر، که در قالب «نظم جدید جهانی و جهانی شدن» و نولیبرالیسم تجلی یافته است، گفت: «صلح، قوانین بین الملل، سازمان ملل، خلق های کوچک و ضعیف، مردم زحمتکش و قشرهای وسیع مردم در سراسر گیتی، محیط زیست، و تمدن انسانی، از جمله قربانیان این تهاجم اند.»

ادامه هیأت نمایندگی کمیته مرکزی حزب ...

شرکت ها و بانک های فراملی، امروز بیشتر از دولت های کشورها قدرت دارند. آنها سیاست های دولت ها را دیکته می کنند. این توازن قدرت امروزین، خودکفایی نسبی کشورها را کاهش می دهد. اضافه بر این، بسیاری عملکردهای مهم دولت ها در اروپا به اتحادیه اروپا واگذار شده است. نقش مسلط امروزین ایالات متحده به تغییراتی در سیاست های سازمان ملل، بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و دیگر نهادهای مشابه، منجر شده است که عواقبی جدی برای سیاست های دیگر کشورها دارد. ایالات متحده مرکز پر قدرترین انحصارهای مالی سرمایه است. و این از دلایل عمده موقعیت ایالات متحده به مثابه یک قدرت جهانی است... ایجاد یک جایگزین در مقابل جهانی شدن و نولیبرالیسم، تنها با موضع گیری بر ضد سرمایه داری ممکن است. موضعی که با منطق رقابت «آزاد» برای بازار جهانی نقطه مشترکی ندارد. بنا کردن جامعه بی جدید تنها با مبارزه طبقاتی بر ضد سرمایه داری و با شرکت طبقه کارگر، اتحادیه های کارگری و نیروهای چپ ممکن است. چنین مبارزه بی می تواند اصلاحات ساختاری ضد انحصاری را توسعه داده و نوع جدیدی، از دموکراسی مشارکتی را مستقر سازد.»

دومین گردهم آیی احزاب چپ اروپا، مدیترانه، خاورمیانه پس از سه روز بحث های خلاق و راه گشا، با انتخاب یک کمیته مرکب از پنج حزب کمونیست و چپ از اروپا، مدیترانه و خاورمیانه، تصمیم به تدارک تداوم مباحثات و توافق های حاصله گرفت.

قطعه نامه پیرامون مسئله قبرس

احزاب شرکت کننده در دومین گردهمایی احزاب چپ اروپا، مدیترانه و خاورمیانه، در قبرس، توسط دبیر کل کمیته مرکزی آکل، دمیتریس کریستوفیاس، در جریان تحولات اخیر مساله قبرس قرار گرفتند. پس از تبادل نظر، قطعه نامه زیر مورد توافق قرار گرفت:

۱. احزاب شرکت کننده از این که مساله قبرس به مدت بیش از بیست و پنج سال لاینحل مانده و زخمی دردناک برای مردم قبرس، و در کل خطری برای صلح در منطقه و اروپا محسوب می شود، نگرانی عمیق خود را ابراز کردند.

۲. احزاب شرکت کننده به طور یکپارچه از شورای امنیت سازمان ملل خواستند تا تلاش های خود را برای حمایت و حصول به یک راه حل عادلانه و ممکن برای مسئله قبرس، از طریق مذاکرات مستقیم و واقعی که بر پایه قطعه نامه های شورای امنیت سازمان ملل و توافق نامه های ۱۹۷۷ و ۱۹۷۹ قرار داشته باشند، متمرکز کند.

۳. احزاب شرکت کننده، اصرار دولت ترکیه و رهبر ترک های قبرس به ایجاد کنفدراسیون را به عنوان راه حلی که خارج از چهار چوب قطعه نامه های سازمان ملل و توافق های انجام شده است، محکوم می کنند.

۴. بر پایه رخدادهای و تحولات اخیر در رابطه با مساله قبرس، احزاب شرکت کننده بر این باورند که موضع ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا در جهت صحیح متوجه نیست. آنها همه نیروهای مترقی را فرا می خوانند تا با تشدید فشار بر اتحادیه اروپا، این اتحادیه را به حمایت از کوشش های سازمان ملل برای تغییر مواضع انعطاف ناپذیر دولت ترکیه و آقای دنکناش و مجبور ساختن آنها به نشان دادن حسن نیت برای حل مساله قبرس، تشویق کنند.

۵. احزاب شرکت کننده اعتقاد عمیق دارند که، مسئله قبرس می تواند و باید از طریق صلح آمیز و در چارچوب قطعه نامه های سازمان ملل حل شود.

۶. احزاب شرکت کننده بر این اعتقادند که حل مساله قبرس باید در چهارچوب قطعه نامه های سازمان ملل و توافق نامه های ۱۹۷۷ و ۱۹۷۹ قانون بین الملل و حقوق بشر باشد. این راه حل می باید متضمن ایجاد یک فدراسیون متشکل از دو منطقه و دو جامعه و احترام به استقلال، حاکمیت، وحدت و یکپارچگی ارضی جمهوری قبرس باشد. حاکمیت باید واحد و غیر قابل تقسیم باشد، شخصیت بین المللی و شهروندی می باید واحد باشند.

کنفرانس پس از سه روز کار پربار، با صدور قرارهای مشخص برای پیگیری وظایف و هماهنگی هرچه بیشتر بین نیروهای مترقی و آزادی خواه به کار خود پایان داد.

ادامه امپریالیسم و دریای ...

ای با اربابان یانکی خود دارد، قادر خواهد بود نفوذ خود را نه فقط در منطقه گسترش دهد، بلکه از طریق این کشور که قرار است به اتحادیه اروپا به پیوندد، سرپلی در اروپا داشته باشد. یعنی در رقابت های آتی اروپا و ایالات متحده، همچون گذشته، باز هم حربه کنترل منابع انرژی نقش عمده را در اختیار داشته باشد.

در خاتمه به نقشی که سیاست خارجی ماجراجویانه رژیم ولایت فقیه در کمک به موفقیت طرح های برتری طلبانه امپریالیسم بازی کرده است، نمی توان اشاره نکرد. حقیقت اینست که، روابط متشنج و پراز درگیری جمهوری اسلامی با اکثر همسایگان شمالی خود عاملی در موفقیت دیپلوماسی ترکیه و در نتیجه امپریالیسم آمریکا بوده است.

کشور ما نه تنها در رابطه با تقسیم منابع نفتی دریای خزر در موقعیت ضعیفی قرار داشته است، بلکه در نتیجه طرح صدور نفت از مسیر باکو- جیحان از ایفای نقش موثری در معادلات سیاسی - اقتصادی و در رابطه با انرژی در منطقه عاجز خواهد بود. این حقیقتی است که، با ادامه رژیم ولایت فقیه، بحران اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور عمیق تر می شود.

ادامه رویدادهای جهان

در ۱۸ آذرماه، اعلام کردند که آماده اند در مقابل عقب نشینی کامل نیروهای اسرائیلی از بلندی های جولان، با این کشور صلح کنند. موضع سوریه در پایان چندین روز مذاکرات فشرده میان حافظ اسد، رئیس جمهوری این کشور و مادلین البرایت، وزیر خارجه آمریکا، در دمشق ب، مقامات عالی رتبه آمریکایی اطلاع داده شد. مادلین البرایت، در جریان یک بازدید ۴ روزه از کشورهای منطقه، از جمله اسرائیل، منطقه خودمختار فلسطینی، مصر و عربستان سعودی، به سوریه مسافرت کرده بود. بیل کلینتون، رئیس جمهوری آمریکا، با اعلام از سرگیری مذاکرات صلح میان سوریه و اسرائیل اعلام کرد که، وزیر خارجه سوریه، فاروق الشرع، و اهود باراک، نخست وزیر اسرائیل، در اولین اجلاس مذاکرات در واشنگتن که در ۱۲ آذر ماه برگزار خواهد شد، شرکت خواهند کرد. مقامات اسرائیلی خاطر نشان کرده اند که، برآوردن شرایط سوریه متضمن تخلیه شهرک های یهودی نشین در بلندی های جولان و بازگرداندن آنها به اسرائیل است.

سوریه همیشه اصرار ورزیده است که هرگونه گفتگو پیرامون صلح باید شامل عقب نشینی اسرائیل از بلندی های استراتژیک جولان گردد، که در جریان جنگ های ۱۹۶۷ توسط اسرائیل اشغال شد. سوریه اصرار دارد که، نخست وزیر اسبق اسرائیل، اسحاق رابین که ۴ سال پیش در جریان یک سوء قصد به قتل رسید، در گفتگوهای خود با آنان تعهد این کشور را به عقب نشینی کامل از بلندی های جولان اعلام کرده بود. سوریه خواستار تأیید مجدد این تعهد توسط اهود باراک، نخست وزیر کنونی اسرائیل است. در روز ۲۱ آذر ماه، جبهه ترقی ملی، عالی ترین ارگان سیاسی سوریه، تصمیم حافظ اسد به بازگیری مذاکرات صلح را مورد تأیید قرار داد.

ادامه حزب توده ایران و انتخابات ...

وسیع نامزدهای مستقل و مخالف «دوب در ولایت»، در کنار تهدید به مقابله نظامی با آنچه که سر پاسدار رژیم، رحیم صفوی، «کودتای پارلمانی» نامید، از جمله حرکتی است که مادر هفته های اخیر شاهد آن بوده ایم.

سئوال این است که، با توجه به همه این مسایل، مشکلات و بفرنجی ها، وظایف نیروهای مترقی و آزادی خواه در اوضاع کنونی چیست؟ مبارزه کنونی بر سر انتخابات مجلس ششم، یک مبارزه عینی و مهم است که در یک سوی آن جنبش مردمی و در سوی دیگر آن ارتجاع و استبداد قرار گرفته است. شرکت در این مبارزه، که همه آحاد و قشرهای مختلف جامعه ما را فرا گرفته است، بسیار فراتر از یک «آری» و یا «نه» گفتن به شرکت در انتخابات است. ما امروز شاهد آنیم که هزاران دانشجوی مبارز و آزادی خواه در دانشگاه ها و دانشکده های کشور، در دفاع از آزادی و محکومیت استبداد، و بررغم سرکوب خونین ۱۸ تیرماه، به صحنه پیکار آمده اند و مستقیماً با نهادهای ارتجاع درگیرند. ما امروز همچنین شاهدیم که کارگران و زحمتکشان میهن همچنان در راه تحقق خواست های صنفی و اجتماعی خود مبارزه می کنند، و میلیون ها زن ایرانی فعالانه در اردوی آزادی و در مقابل ارتجاع قد علم کرده اند.

اتفاقی نیست که «ولی فقیه» رژیم، در نماز جمعه این هفته تهران، با آن چنان سخنانی از جدی بودن و واقعی بودن خطر بر ضد استبداد، سخن می گوید، و هشدار می دهد. خامنه ای در این سخنان آشکارا به افرادی همچون نوری و مدافعانش، به عنوان افراد غافل، و روزنامه های مدافع دوم خرداد به عنوان بلندگوی «دشمن»، حمله می کند و می گوید: «دشمن گاهی حرف خود را از زبان یک روحانی غافل و بی خبر و یا یک دانشجو، که از روی احساسات و نیندیشیده سخن می گوید، می زند و این حرف در واقع حرف دشمن است...» به گفته خامنه ای: «امروز ایادی دشمن و برخی رسانه های داخلی در تبلیغات خود، مرتب کارهایی می کنند که افکار عمومی احساس کند در جامعه تشنج عظیم سیاسی وجود دارد...» خامنه ای در ادامه همین سخنان، در حمله شدیدی به نوری، گفت: «دل انسان غصه دار می شود، هنگامی که می بیند، کسانی که نان انقلاب، اسلام و امام زمان را خورده اند، حال طوری مشی و سخن خود را تغییر داده اند که دشمنان برای آنان کف بزنند... نباید تصور کرد که اگر چهار نفر با سابقه انقلابی از کاروان انقلاب کنار رفتند، انقلاب غریب مانده است. ممکن است کسانی ریزش کنند که مایه تأسف باشد، اما نباید خیال کرد حال که چهار نفر از نیمه راه برگشتند، این گردونه عظیم حرکت باز خواهد ایستاد...» (به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی، ایران، جمعه، ۲۶ آذرماه ۱۳۷۸).

این سخنان خامنه ای، پس از تظاهرات پرشکوه دانشجویی و پس از نام نویسی عبدالله نوری به عنوان نامزد انتخاباتی در تهران، به هیچ وجه نمی تواند اتفاقی باشد. موضع گیری روشن خامنه ای در دفاع از دادگاه ویژه روحانیت و مزدوران و جنایتکارانی همچون مرتضوی و محسنی اژه ای جای شک و شبهه بی باقی نمی گذارد که «ولی فقیه» ارتجاع، به عنوان مرکز توطئه بر ضد جنبش، فرار است نقش فعالی در جریان انتخابات مجلس ششم بازی کند. بر این اساس، روشن است که شرکت در صحنه این مبارزه که هم اکنون در ابعاد وسیعی در جامعه در جریان است، وظیفه همه نیروهای مترقی و آزادی خواه میهن ماست. باید با تمام توان و امکانات در این پیکار شرکت فعال کرد، و در کنار جنبش مردمی، توطئه ها و ترسند های ارتجاع را با شکست روبه رو کرد.

نکته جالب دیگر در روزهای اخیر، اسم نویسی هاشمی رفسنجانی، مهره کهنه کار و کارگزار ارتجاع و استبداد، برای شرکت در انتخابات است. جبهه ارتجاع تلاش کرده است با حذف عبدالله نوری و زندانی کردن او، عملاً هاشمی رفسنجانی را به عنوان «نامزد معتدل» و مورد قبول هر دو جناح برای پست ریاست مجلس وارد عمل کند، و از این طریق هم در جبهه ائتلاف دوم خرداد شکاف ایجاد کند و هم راه را برای حفظ و اداره مجلس به دست یکی از «استوانه های

نظام» و مهره های صد در صد قابل اتکاء باز کند. هاشمی رفسنجانی نمی تواند نامزد هیچ گروهی جز مرتجعان و مدافعان استبداد مطلق باشد، و از این رو، افشای سیمای واقعی او و نقش مخربی که به او واگذار شده است، از وظایف مهم مبارزاتی نیروهای مترقی است.

سئوال دیگر این است که اگر شورای نگهبان ارتجاع با اعمال نظارت استصوابی نامزدهای مستقل و مدافع دوم خرداد را رد صلاحیت کرد آن وقت شرکت در انتخابات جز مشروعیت دادن به مجلسی ضد مردمی که بر این اساس تشکیل خواهد شد، چه حاصلی دارد؟ بدیهی است که در صورت اعمال نظارت استصوابی به شکلی که نامزدهای مستقل و ضد «دوب در ولایت» اجازه شرکت در انتخابات را نیابند، نیروهای انقلابی باید با بررسی مجدد اوضاع تاکتیک های ضرور را اتخاذ کنند. از رأی دادن به نامزد هایی که به جرم «مخالفت با ولایت» رد صلاحیت شده اند، تا سازمان دهی اعتراض های وسیع توده ای برضد اعمال ضد مردمی شورای نگهبان، و تحریم و شرکت نکردن در انتخابات همه تاکتیک هایی است که می تواند در صورت لزوم مورد بررسی قرار گرفته و با توجه به اوضاع اتخاذ شود. هدف جنبش در این مرحله از مبارزه این است که اولاً اجازه نداد ارتجاع مجلس مورد نظر خود را تشکیل دهد و ثانیاً بار دیگر این حقیقت را روشن بیان کند که اکثریت عظیم توده های میهن ما خواهان ادامه حاکمیت مرتجعان کنونی مدافع «دوب در ولایت» نیستند.

موضوع دیگری که توجه به آن لازم است و ما بارها در گذشته به آن اشاره کرده ایم، این حقیقت است که جبهه دوم خرداد، طیف وسیعی از نیروها را با منافع گوناگون و حتی متضاد طبقاتی در بر می گیرد. در حالی که نیروهایی همچون کارگزاران سازندگی و طرفداران رفسنجانی تنها به قصد حفظ منافع و سوار شدن بر موج جنبش به این جبهه پیوسته اند، بخش وسیعی از جنبش دانشجویی، نیروهای ملی و دگراندیشان مذهبی، خواهان برخی تغییرات به نفع آزادی و پایان یافتن استبداد خشن قرون وسطایی در شکل کنونی آنند. در چنین طیف وسیعی از نیروها بدیهی است که همواره خطر سازش نیروهای متزلزل و فرصت طلب و نیروهایی که در آخرین تحلیل «حفظ نظام» را بالاتر از منافع مردم می دانند وجود دارد و جنبش باید خود را برای مقابله با چنین خطراتی آماده سازد. اتکاء به جنبش مردمی و تلاش در راه ارتقاء سازمان یافتگی و انسجام و پیوند هرچه نزدیک تر گردان های این جنبش یگانه راه مطمئن پیروزی در مبارزه بفرنج و دشوار کنونی است. جنبش ضد استبدادی و ضد ارتجاعی مردم ما میهن ما در دو سال گذشته تجربیات غنی را اندوخته است و این توان را دارد که بر مشکلات و معضلات کنونی غلبه کرده و راه مبارزه آینده را بگشاید.

پیکار سیاسی بی که هم اکنون در میهن ما در جریان است، بی شک تأثیر مهم و بسزایی در آینده تحولات ایران برجای خواهد گذاشت. نیروهای مترقی و آزادی خواه نمی توانند تنها تماشاگر این تحولات باشند. جنبش مردمی، با حفظ وحدت خود و با هوشیاری، خواهد توانست استبداد حاکم را با شکست سنگین دیگری روبه رو کند.

حزب توده ایران، با تمام توان، در این پیکار در کنار توده ها قرار دارد، و همه نیروهای مترقی و آزادی خواه را نیز فرا می خواند تا در این مبارزه سرنوشت ساز شرکت فعال داشته باشند. مبارزه کنونی، بخش جدایی ناپذیری از مبارزه ضد استبدادی خلق های میهن ماست که اکنون سال هاست در جریان است، و این جنبش در کوره تجربه آزموده و پخته شده است. ما این نبرد را بخشی از همان مبارزه برای طرد رژیم «ولایت فقیه»، طرد استبداد، انحصار و ارتجاع در ایران می بینیم، که در شعارهای گوناگون نیروهای مردمی در درون میهن ما متبلور است. جنبش مردمی میهن ما از آن روزی که حزب توده ایران برای نخستین بار، یعنی ده سال پیش، این شعار را طرح کرد، تا به امروز، راه درازی را طی کرده است، و اغراق نیست اگر ادعا کنیم که این شعار امروز توسط بخش های وسیعی از مردم میهن ما مورد استقبال قرار گرفته است. شعارهای جنبش دانشجویی در جریان قیام ۱۸ تیر در محکومیت «ولی فقیه» و انصار استبداد، و خواست هایی همچون آزادی زندانیان دگراندیش، محکومیت انحصار و واپس گرایی، نشانه های روشنی از نضج گیری حرکتی است که ما امیدواریم با پیروزی آن ایران از بندهای استبداد و ارتجاع رها گردد، و مردم ما بتوانند بر ویرانه های آن کشوری آباد، آزاد، مستقل و مترقی را بنا کنند. ما در آینده، با روشن تر شدن لیست های انتخاباتی، بازهم بیشتر در این مورد خواهیم نوشت.



نخست وزیر رومانی کیست؟

بحران سیاسی در رومانی، که با کنار گذاشتن رادوواسیل، نخست وزیر، در جریان یک درگیری سیاسی در حزب دموکرات مسیحی، حزب اصلی ائتلاف حاکم، آغاز شده بود با اصرار او به اینکه هنوز نخست وزیر قانونی کشور است، عمیق تر گردید. واسیل، در ۲۳ آذر ماه، در یک مصاحبه رادیویی گفت: به مبارزه خود برای دفاع از موقعیتش ادامه خواهد داد و اضافه کرد: «من قویا اعلام می کنم که ریاست جمهور به طور غیر قانونی عمل کرده است. من خودم را نخست وزیر می دانم.»

پرزیدنت امیل کنستانتینسکو، پس از برکناری واسیل از رهبری حزب دموکرات مسیحی، او را از نخست وزیری کنار گذاشت. رئیس جمهوری، وزیر کار، الکساندر آتاناسیو، را به عنوان نخست وزیر موقت انتصاب کرد و از همه وزرا خواست که تا اعلام یک کابینه جدید، در پست های خود باقی بمانند. واسیل گفت: «من این عملکرد غیر قانونی را در مجلس سنا مطرح خواهم کرد.» یک منبع نزدیک به دولت اظهار داشت که، نخست وزیر برکنار شده در صدد فراخوان یک کنگره حزبی فوق العاده است.

با اعلام اینکه حزب متمایل به چپ سوسیال دموکرات رومانی در اعتراض به عمل رئیس جمهوری تصمیم به بیرون کشیدن نمایندگان خود از پارلمان و تقاضای انتخابات زود رس گرفته است، اوضاع سیاسی بحرانی تر شد. ایان ایلیسکو، رهبر حزب سوسیال دموکرات، گفت: «رئیس جمهوری به وضوح قانون اساسی را نقض کرده است. در نتیجه حزب سوسیال دموکرات رومانی تا زمانی که رئیس جمهوری حکم برکناری را پس نگیرد از هر دو مجلس کناره خواهد گرفت.»

صدر اجرایی حزب سوسیال دموکرات، آدریان ناستاسه، در پارلمان اعلام کرد: «من می خواهم تصریح کنم که از نظر ما واسیل هنوز نخست وزیر است.» حزب ناسیونالیستی رومانی بزرگ نیز، در اعتراض به عمل رئیس جمهوری به سوسیال دموکرات ها پیوست.

این حزب در نظر دارد که خواستار برکناری پرزیدنت کنستانتینسکو شود.

مقصران موفقیت راست

مرحله نخست انتخابات ریاست جمهوری شیلی به راه یابی رچکارادو لاگوس، رهبر حزب سوسیالیست و کاندیدای ائتلاف عمل هماهنگ، و جوآکین لاوین، روزنامه نگار دست راستی از «اتحاد برای شیلی» به مرحله دوم منجر گردید. لاگوس که ۴۷/۹۶ درصد آراء و لاوین ۴۷/۵۲ درصد آراء را به دست آورده اند در دور دوم انتخابات که در روز ۲۸ دی ماه برگزار خواهد شد، با هم روبه رو خواهند شد.

گلا دیس مارین - دبیرکل حزب کمونیست شیلی، ائتلاف حاکم «عمل هماهنگ» را در افزایش چشمگیر آراء کاندیدا های اصلی نیروهای راست مقصر دانست. رفیق مارین پس از اعلام نتایج دور اول انتخابات گفت: «کشور به طور خطرناکی به سمت راست متمایل شده است.» رهبر کمونیست های شیلی، ریکاردو لاگوس و همراهانش در ائتلاف حاکم برای اینکه به نیروهای راست امکان مخفی کردن روابطشان با دیکتاتوری آگوستینو پینوشه را داده اند، مقصر دانست. رفیق مارین، که همسر خود را در دوران حاکمیت پینوشه از دست داده، گفت: «آنهایی که برای این رشد راست مقصرند - «عمل هماهنگ» می باشند.» نیروهای راست در هیچ یک از انتخابات گذشته شیلی بیش از ۴۰ درصد آراء نداشته اند. در سال ۱۹۹۳، دو کاندیدای راست روی هم حدود ۳۰ درصد آراء را کسب کردند. در یک سال و نیم اخیر ائتلاف حاکم با دفاع سرسختانه از حق آگوستینو پینوشه دیکتاتور، به بازگشت به شیلی، که در حال حاضر در انگلستان بازداشت و در معرض تحویل دادن به مقامات قضایی اسپانیا برای محاکمه به جرم اعمال شکنجه می باشد، عملا در کنار نیروهای راست قرار گرفته است. موضع دولت «عمل هماهنگ» در دفاع از پینوشه، عملا قبح حمایت از دیکتاتوری را که پرچم آن منحصر بر دوش نیروهای راست بود، کمرنگ کرد و به مدافعان کودتای سپتامبر ۱۹۷۳ برضد آئنده رئیس جمهوری شهید شیلی، اجازه داد تا خود را موجه جلوه بدهند. ائتلاف چپ به کاندیداتوری رفیق گلا دیس مارین، که پیش بینی می گردید ۸ تا ۱۰ درصد آراء را کسب کند، فقط ۳/۱۹ درصد آراء را به دست آورد.

رسمیت ارتش اتحادیه اروپا

اجلاس رهبران کشورهای اتحادیه اروپا، در هلسنکی، در روزهای ۱۹ و ۲۰ آذر ماه، عملا پایه گذاری یک ارتش ۶۰ هزار نفره را به منظور مداخله مستقیم نظامی در تحولات گوشه و کنار جهان تصویب کرد. ارتش اتحادیه اروپا تحت کنترل مستقیم کمیته سیاسی - امنیتی، که در بروکسل مستقر می شود و مسئولیت هماهنگ کردن سیاست خارجی - امنیتی مشترک اتحادیه اروپا را به عهده خواهد داشت، عمل خواهد کرد. ارتش اتحادیه اروپا در مبارزه بین امپریالیستی و برضد خلق های جهان بر سر کنترل منابع اولیه کشورهای در حال توسعه، و همچنین برضد کشورهای نظیر یوگسلاوی از زاویه منافع ویژه امپریالیسم اروپایی، وارد عمل خواهد شد.

خاویر سولانا، دبیر کل پیشین ناتو، مسئولیت تدوین سیاست خارجی - امنیتی مشترک اتحادیه اروپا و رهبری ارتش جدید التاسیس را به عهده خواهد داشت. سخنگوی اتحادیه اروپا پیش بینی کرد که، نیروی نظامی جدید قبل از سال ۲۰۰۳ آماده عمل خواهد بود. روند ایجاد شاخه نظامی برای اتحادیه اروپا، در جریان حمله ناتو به یوگسلاوی، که در آن ایالات متحده نقش برجسته در همه عرصه ها و از جمله فراهم کردن نیروی نظامی لازم را داشت، تسریع گردید. ایالات متحده عدم رضایت خود از سرعت ایجاد یک هویت نظامی «خود مختار» را بدون حمایت واشنگتن ابراز کرده است. کنگره آمریکا از اتحادیه اروپا خواستار شده بود که ناتو اختیار داشته باشد تا در مورد هر گونه عملیاتی حرف اول را بزند. مقامات اتحادیه اروپا این درخواست

آمریکا را رد کردند. وزیر خارجه فرانسه، هوبرت وردین، گفت: «آنچه که برای مدت های طولانی یک سراب می نمود، اکنون یک واقعیت است.»

موفقیت کشورهای فقیر!

وزیر بازرگانی ویتنام در ۱۸ آذر ماه، شکست اجلاس سازمان تجارت جهانی در سیاتل را برای شروع دور جدید مذاکرات پیرامون تجارت آزاد را موفقیتی برای کشورهای فقیر دانست. ترواونگ دینه نوین، در اولین اظهار نظر رسمی ویتنام در مورد اجلاس سیاتل، گفت که، کوشش قدرت های غربی برای تحمیل سیاست های خود بر جهان «غیر قابل قبول» است. دولت ویتنام که از چند سال پیش متقاضی عضویت، سازمان تجارت جهانی بوده است ولی هنوز پذیرفته نشده است، در اجلاس سیاتل به عنوان یک ناظر شرکت داشت. اجلاس سیاتل پس از ۴ روز مذاکره، به دلیل اختلاف نظرات عمیق بین کشورها و نیز اعتراضات دامنه دار مخالفان تجارت آزاد، به شکست انجامید.

مقام ویتنامی گفت که، قدرت های غربی کلا درصدد افزایش تسلطشان بر جهان بودند: «آنها موضوعات بسیاری را که غیر مرتبط با بازرگانی و نامربوط با عملکرد سازمان تجارت جهانی بود، نظیر نیروی کار و محیط زیست، را برای بحث پیشنهاد کردند.» نوین اضافه کرد که، کشورهای ثروتمند کشورهای در حال توسعه را مجبور به قبول موافقت نامه های تجاری جهانی قبلی کرده بودند. او گفت که کشورهای پیشرفته سرمایه داری با استفاده از برخی معیارهای تکنیکی، نظیر سیاست های ضد دامپینگ، پرده استتاری برای سیاست محدود کردن صدور کالا از کشورهای فقیر به بازارهای خود کشیده اند. رفیق نوین گفت که، ویتنام مسیر مشخص خودش را برای پیوستن به اقتصاد جهان تدوین خواهد کرد و این امر با توجه اکید به استقلال کشور و حاکمیت آن صورت خواهد گرفت.

سوریه و صلح خاورمیانه

پس از نزدیک به ۴ سال وقفه در مذاکرات میان اسرائیل و سوریه، در رابطه با ترک مخاصمه میان دو کشور، رهبران جمهوری عربی سوریه،

ادامه امپریالیسم نفتی در دریای خزر...

متحده را بر منابع نفتی دریای خزر تضمین خواهد کرد. برگزاری یک جشن پرسرو صدا از طرف هیات آمریکایی در این رابطه، منعکس کننده اهمیت استراتژیک این توافق نامه است.

امضای این توافق نامه را از زوایای مختلف اقتصادی می توان و می باید مورد توجه قرارداد ولی نمی توان از اهمیت سیاسی آن چشم پوشید. در بیانیه مطبوعاتی کاخ سفید به وضوح این حقیقت، که ایالات متحده برای اولین بار پس از انقلاب اکتبر چنین جای پای در آسیای مرکزی یافته است، بازتاب یافته است: «عصر یکشنبه گذشته، درباره چارچوب بیانیه خط لوله گاز ماورای دریای خزر، که فردا به امضاء می رسانیم، مذاکره می کردیم و آنجا نمایندگان عالی رتبه ترکمنستان، آذربایجان، گرجستان، ترکیه و ایالات متحده بودند. آن روز هشتاد و دومین سالگرد انقلاب بلشویکی بود. ایده نشستن در اتاقی و صحبت کردن در مورد یک خط لوله تجاری برای فروش گاز از ترکمنستان و آذربایجان به ترکیه و از آنجا نهایتاً به اروپا حقیقتاً شایان توجه است. بطور مشابه، باید از خط لوله باکو-جیحان صحبت کرد. ایده این که این کشور های نفت خیز قادر خواهند بود که یک سیستم خط لوله را توسعه دهند که به سوی غرب می رود یک قدم مهم جدید است.» زمان انعقاد قرارداد، یعنی ۸۲ سال پس از انقلاب اکتبر و ۱۰ سال پس از نقطه عطف شکست سوسیالیسم در اروپای شرقی، تصادفی و نمادین نیست. این انعکاسی از مظاهر توسعه طلبی امپریالیستی است که در پوشش همکاری متقابل به خلق های این منطقه تحمیل می گردد.

«نامه مردم»، در گذشته، در رابطه با مسیر های مختلف برای صدور نفت و گاز حوزه های نفتی دریای خزر، گزارش های متعدد منتشر کرده است که در آن ن به وضوح ارجحیت مسیر ایران به ترکیه و یا به بنادر جنوبی ایران برای صدور، هم از نظر اقتصادی و هم از نظر فن آوری، مورد بررسی قرار گرفته است. خط لوله از مسیر گرجستان-آذربایجان - ترکیه عملاً پرخارج ترین و مشکل ترین راه حل ممکن بود.

بیانیه مطبوعاتی کاخ سفید با اشاره به «چارچوب اصل پایه ای»، از عامل های عمده مورد توجه واشنگتن، در رابطه با انتخاب مسیر باکو - جیحان، پرده بر می دارد.

مقامات ایالات متحده، با اشاره به «تعهد به حاکمیت و استقلال کشورهای جدید منطقه دریای خزر و کوشش برای ارتقاء دورنمای اقتصادی آنان» به مثابه اصل اول، عملاً اصرار به تحمیل سیستم سیاسی هماهنگ با منافع سرمایه داری را مورد تاکید قرار داده و به خلق های جهان اعلام می کنند که، استقلال و حاکمیت آنها تا آنجا معنا دارد که منافع ایالات متحده مورد خطر قرار نگیرد.

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا ادامه می دهد: «اصل دوم در رابطه با بهبود امنیت انرژی ایالات متحده، ترکیه و دیگر متحدان مان و جریان آزاد منابع انرژی از دریای خزر به بازارهای غربی است. اصل سوم در رابطه با ایجاد و توسعه فرصت های تجاری برای شرکت های آمریکایی و دیگر شرکت ها و چهارمین اصل که احتمالاً مهم ترین آنان می باشد، اینست که ثابت کنیم همکاری اقتصادی و سیاسی در مقایسه با رقابت سیاسی، که عمده ترین آنها را تشکیل می دهد، طریق بسیار بهتری برای منطقه است.»

حقیقت اینست که، امپریالیسم از سال ۱۹۹۴ تا کنون درصدد ایجاد خط لوله برای صدور نفت و گاز از منطقه دریای خزر به غرب بوده است. ساختمان دو خط لوله از آذربایجان به بندر نووروسیسک، در کنار دریای سیاه، و

همچنین به بندر سویسا در گرجستان و در کنار دریای سیاه، تا کنون به پایان رسیده است. در سال ۱۹۹۸ توافق آژانس تجارت و توسعه ایالات متحده، بانک صادرات و واردات ترکیه، کمپانی بین المللی عملیاتی آذربایجان در رابطه با ایجاد یک مرکز سرمایه گذاری در آنکارا عملاً ایالات متحده را مستقیماً به صحنه رقابت ها وارد کرد. در صدر ارجحیت های ایالات متحده در برنامه ریزی های خود، منزوی کردن سیاسی اقتصادی ایران و روسیه و سعی در کنار گذاشتن آنان از موافقت نامه ها در رابطه با تولید و صدور نفت حوزه دریای خزر بوده است. در سال ۱۹۹۸، روسای جمهور ترکیه، گرجستان، آذربایجان، قزاقستان و ازبکستان، بیانیه آنکارا را امضاء کردند که از باکو-جیحان به مثابه مسیر صادراتی اصلی سخن گفته و این ایده، را که نفت از ماورای خزر به این خط لوله خواهد ریخت، برجسته می سازد.

آنها همچنین حمایت خود را از یک خط لوله گاز ماورای خزر اعلام کردند. در فوریه ۱۹۹۹، ترکمنستان کنسرسیوم «پ اس جی انترناسیونال» و بعداً شل را برای ساختمان خط لوله، به عنوان بخشی از موافقت نامه فروش - خرید مواد سوخت ترکمنستان و روابط دوجانبه برای فروش گاز به ترکیه انتخاب کرد. از مشخصات ویژه این خط لوله، طولانی بودن و گذر آن از قلمرو کشورهای مختلف، و در نتیجه از دیدگاه سیاست گذاران ایالات متحده «ضروری بودن همکاری سیاسی» آنان است. دلیل اینکه ایالات متحده در سالیان اخیر به طور پیگیر در جهت کنترل خود بر منابع نفتی دریای خزر کوشش می کرده اند، گرایش این کشور به کنترل منابع انرژی در هر گوشه جهان است، زیرا ذخایر نفتی داخلی ایالات متحده شدیداً افت کرده است. با توجه به سرسپردگی کشورهایمانند آذربایجان و گرجستان، به ایالات متحده، این کشور خواستار دستیابی به منابع ارزان انرژی برای صنایع داخلی خود، شکستن کنترل انحصاری کشورهای اوپک بر تولید و عرضه نفت، و ادامه رشد اقتصادی سال های اخیر است.

سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا خود به وضوح به این حقایق اعتراف می کند: «در واقع قیمت نفت در طول سال گذشته از آنچه که بوده، یعنی ۱۰ تا ۱۲ دلار، به طور قابل ملاحظه ای افزایش یافته است. بنابراین اگر شما گمان می کنید که اقتصاد جهان به رشد خود ادامه می دهد، در حالی که قیمت نفت در سطح بالا ثابت بماند باید مسایل زیادی را به هم ربط بدهید. اوپک چه خواهد کرد، رشد اقتصادی چه مقدار خواهد بود. ولی اگر شما گمان می کنید که قیمت ها به سطح پایین سال گذشته تقلیل نخواهد یافت آنگاه این خط لوله بکار خواهد آمد.» یعنی این خط لوله مستقیماً در رابطه با تقلیل قیمت نفت تولیدی کشورهای نفت خیز به کار گرفته خواهد شد.

شرکت دادن ترکیه در این قراردادهای، صرف نظر از دلایل جغرافیایی، همچنین به این دلیل است که ایالات متحده از طریق ترکیه، که روابط ویژه

ادامه در صفحه ۵

کمک های مالی رسیده

۲۰۰ مارک

به خاطر ۱۶ آذر، روز دانشجو

۵۰ مارک

به یاد زنده یاد ۱. طبری

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:573

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

21 December 1999

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

- ۴۹ - ۳۰ - ۳۴۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e. V.

نام

790020580

شماره حساب

10050000

کد بانک

Berliner Sparkasse بانک



بررسی رویدادهای ایران

رفسنجانی، شعور و آگاهی مردم

اطلاعات بین المللی ۳دی ماه به نقل از روزنامه «فتح» مطلبی را آورده است که در آن به بررسی شرکت هاشمی رفسنجانی و نقش مردم در این انتخابات پرداخته است. این روزنامه ضمن اشاره به اعلام شرکت رفسنجانی و تحت الشعاع قرار گرفتن این خبر در فضای سیاسی جامعه و اینکه رفسنجانی هدفش از شرکت در انتخابات پیش روی را کشاندن مسیر توسعه سیاسی به سمت اعتدال ذکر کرده است می نویسد: «اعتدال از نظر رفسنجانی به این مفهوم است که وی چنان که در یک دهه گذشته بوده است، در مرکز ثقل سیاست و حکومت باشد و هرگونه تحولی از اصلاح طلبانه و محافظه کارانه و یا عمل گرایانه بر مدار شخصیت و منویات وی بچرخد. در سیستم فکری مورد نظر هاشمی رفسنجانی می توان دور بسته گردش نخبگان سیاسی جمهوری اسلامی را بین گروه های درون نظام یعنی راستگرایان، چپگرایان و تکنوکرات، ترسیم کرد. در این سیستم هر گاه کفه ترازو قدرت به نفع چپگرایان سنگین شده وی با چرخش به راست و هرگاه به نفع راستگرایان چربیده با چرخش به چپ تلاش کرده است در نقش موازنه دهنده نیروها ظاهر شود تا از پیروزی مطلق یکی بر دیگری جلوگیری کند.» فتح سپس با اشاره به نقش تعیین کننده مردم، نیروها و نخبگان فکری و ابزارهای خارج از حاکمیت و برنامه های مدون و همه جانبه سیاسی برای جلب مشارکت مردم معتقد است دوره کنونی به دلیل عنصر آگاهی و حس مشارکت همگانی در تعیین سرنوشت و جایگزینی برنامه به جای شمار تفاوت مبثانی با دیگر دوره ها دارد. «فتح» ضمن بی تاثیر بودن حضور یا عدم حضور رفسنجانی اضافه می کند: «لذا به جای حساسیت در مورد حضور یک شخص یا اشخاص دیگر در صحنه انتخابات، باید از همه گروه ها و شخصیت های شرکت کننده در این دور انتخابات برنامه های آن ها را طلب کرد و انتخاب را بر عهده انتخات کنندگان یعنی مردم گذاشت. کافی است به شعور و آگاهی مردم میزان بودن رای آنان اعتماد کرد که انتخابات دوم خرداد ۷۶ و ۷ اسفند ۷۷ بهترین گواه بر این مدلل و مدعاست.»

پیام دوم خرداد، ضرورت تغییرات

روزنامه «عصر آزادگان» در یک تحلیل به بررسی تحولات ایران از مقطع دوم خرداد تاکنون پرداخته و ضمن اشاره به انتخابات ریاست جمهوری و شرکت گسترده مردم در آن و شوک ناشی از آن که تا چند ماه گریبان طرفداران ذوب در ولایت را فراگرفته بود، به جمع بندی عکس العمل نیروهای طرفدار ولایت فقیه در مقابله با

ادامه در صفحه بعد

گزیده ها

«... حزب توده ایران، بنابه ماهیت طبقاتی، درک و جهان بینی علمی اش، و اعتقاد عمیقی که به منافع و آرمان های طبقه کارگر دارد، معتقد است که طبقه کارگر ایران و متحدان طبیعی آن، یعنی زحمتکشان شهر و روستا، مهمترین نیروی اجتماعی مدافع تحول و حرکت به سمت استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی در میهن ما می باشند. تجربه انقلاب بهمن ۵۷، و نقش تعیین کننده کارگران و زحمتکشان در به زانو درآوردن رژیم شاه، تجربه مهم تاریخی ثی ست که موبد این نظر است. امروز نیز طبقه کارگر ایران به طور بسیار گسترده و بی سابقه نی در سال های پس از انقلاب به عرصه رویارویی و برخورد با رژیم «ولایت فقیه» کشانده شده است. ما در دو سال گذشته شاهد صدها حرکت اعتراضی کارگران برای احقاق حقوقشان بوده ایم. از اعتصاب پیروزمند کارگران نفت، در اسفند ماه ۷۵، تا اعتصاب شکوهمند کارگران مجتمع بزرگ صنعتی ملی، با شرکت هزاران کارگر و در هفته های اخیر حرکت متحد و منسجم کارگران کاشان، از کارخانه ها و کارگاه های تولیدی گوناگون، برای جلوگیری از واگذاری بیمارستان، «شهید بهشتی» که با پول کارگران ساخته شده است، همگی نشانگر رشد کیفی و کمی جنبش مطالباتی کارگران در مقابل رژیم «ولایت فقیه» است...»
از قطعنامه پلنوم وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران
به نقل از «نامه مردم»، ۵۵۲، ۱۱ اسفند ماه ۱۳۷۷

بالا گرفتن اعتراض های مردمی بر ضد رژیم «ولایت فقیه»

با بالا گرفتن مجدد جنبش اعتراضی دانشجویان بر ضد ادامه سیاست های ارتجاعی و ضد مردمی رژیم «ولایت فقیه» و خصوصاً نیروهای «ذوب در ولایت» که بسیاری از نهادهای تصمیم گیری را در انحصار خود دارند در هفته های اخیر موجی از اعتراض محیط های کارگری و برخی مناطق محروم کشور را فرا گرفته است.

بر اساس گزارش های رسیده، هزاران کارگر معترض، در تهران و شهرهای دیگر با نیروهای امنیتی رژیم درگیر شدند. در تهران با وجود مخالفت وزارت کشور با هرگونه تجمع اعتراضی، کارگران در مقابل سازمان تأمین اجتماعی تجمع کرده و ناراضیاتی شدید خود را از عملکرد این سازمان اعلام کردند. سازمان تأمین اجتماعی، که در واقع با پول کارگران اداره می شود، نه تنها پاسخگوی نیازهای مبرم کارگران میهن ما نیست بلکه با اتخاذ سیاست های ضد مردمی و ضد کارگری برخلاف منافع کارگران عمل کرده است. در سال گذشته شمار زیادی از حرکت های کارگری در اعتراض به این عملکرد نا سالم و ضد کارگری سازمان تأمین اجتماعی سازمان دهی شد.

با ادامه سیاست های ضد ملی و مخرب «تعمدیل اقتصادی»، خصوصی سازی مراکز تولیدی و عدم وجود برنامه مشخصی برای پاسخ به نیازهای اقتصادی - اجتماعی میلیون ها کارگر و زحمتکش ایرانی، وضعیت زندگی - معیشتی زحمتکشان هر

ادامه در صفحه ۲

نامه مردم ضمیمه

ارکان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۵۷۳، دوره هشتم
سال شانزدهم، ۱۴ دی ماه ۱۳۷۸

مبارزه با ترندهای های شورای نگهبان ارتجاع عرصه مهمی از مبارزه انتخاباتی

با تند تر شدن آتش مبارزه انتخابات مجلس ششم، در روزهای اخیر روشن شد که شورای نگهبان ارتجاع، وظیفه اساسی کارشکنی در انتخابات و جلوگیری از اعمال اراده توده ها را، همچون دوره های گذشته، عهده دار شده است. عملکرد شورای نگهبان در روزهای اخیر آنچنان آشکارا در تضاد با قوانین جاری کشور بود که موجب اعتراض های وسیعی، حتی از سوی وزارت کشور که مسئولیت اجرای انتخابات را عهده دار است، گردیده است. بر اساس گزارش رسانه های عمومی، وزارت کشور در نامه ای خطاب به جنتی، مهره ورشکسته ارتجاع و استبداد، ضمن اعتراض به تنظیم آئین نامه اجرایی برای انتخابات از سوی این شورا از جمله یادآور شد که: «بر اساس ماده ۱۳۸ قانون اساسی، تصویب آئین نامه اجرایی به عهده دولت است و شورای نگهبان باید از دولت بخواهد تا آئین نامه اجرایی اش را بنویسد» بر اساس همین گزارش، علی محقر، معاون پارلمانی وزارت کشور، در مقابل این سوال که در صورت عدم توجه شورای نگهبان دولت چه خواهد کرد گفت: «رئیس جمهور می تواند بر اساس اصل ۱۳ قانون اساسی اخطار بدهد.» لازم به تذکر است که در حرکتی پیش از این شورای نگهبان اعلام کرد که قصد دارد تعرفه های رای گیری را سه برگی کند که بر این اساس و از آنجا که تعرفه ها دارای شماره های مسلسل است می توان آراء داده شده توسط رای دهندگان را کنترل کرد.

همچنین در روزهای اخیر جناح «ذوب در ولایت» در مجلس، توسط باهنر، تلاش کرد تا انتخابات مجلس را یک مرحله ای نماید. از آنجا که نیروهای مرتجع مدافع «ولایت مطلقه» اطمینان دارند که نامزدهای آنها حتی توان کسب ۲۵ درصد آراء را نیز ندارند، این حرکت تلاش مذبوحانه ای بود برای به مجلس

ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

مبارزه با ترفندهای شورای ...

فرستادن کسانی که همچون انتخابات مجلس خبرگان در تهران و شهرستان ها تنها توانستند، با تقلب، بین ۱۰ تا ۱۵ درصد آراء را کسب کنند.

بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، ایرنا، شماری از طرفداران جناح دوم خرداد، از جمله موسوی خوئینی ها، کروبی، محتشمی، الوری، نبوی، سید هادی خامنه ای، مجید انصاری، سرحدی زاده، سلامتی و دیگران با ارسال نامه ای به سید محمد خاتمی، رئیس جمهوری، اعتراض خود را نسبت به اعمال ضد قانونی شورای نگهبان اعلام کردند. بر اساس همین گزارش در این نامه از جمله ذکر شده است که: «بر اساس اطلاعات واصله هیأت محترم مرکزی نظارت، آئین نامه ای همراه با فرم استعلام را به وابستگان خود در سراسر کشور ابلاغ کرده است که به لحاظ عدول از ضوابط و دخالت دادن نهادها جز آنچه در قانون مشخص شده است در تشخیص صلاحیت نامزدهای انتخاباتی و نیز پاره ای موارد دیگر که دارای محتوایی مغایر با قانون انتخابات می باشد و همچنین به دلیل پاره ای از سخنان آیت الله جنتی در جمع مسئولان وزارت کشور این احتمال وجود دارد که شورای محترم نگهبان و هیأت محترم نظارت مرکزی، وظایف قانونی خود را از وظایف شرعی تفکیک کنند و به همین دلیل به خود اجازه می دهند فرا تر از قانون عمل کنند.»

ما قبلاً نیز هشدار داده بودیم که ارتجاع هراسناک از تکرار تجربه دوم خرداد ۷۶ و انتخابات شوراهای مضم است تا با استفاده از اهرم های «قانونی» و خصوصاً شورای نگهبان ارتجاع که در بست در اختیار مستبدان حاکم قرار دارد اجازه ندهد رأی و اراده مردم در این انتخابات جاری شود. زمزمه حذف وسیع نامزدهای مستقل و مخالف «ذوب در ولایت» و حتی شمار زیادی از طرفداران خاتمی در کنار ترفندهای گوناگون برای اعمال تقلب و حتی از هم اکنون زمینه سازی برای ابطال انتخابات شهرهایی که مطابق خواست مرجع حاکم نیست بخشی از برنامه وسیعی است که نیروهای ارتجاعی در تدارک پیاده کردن آن هستند. تنها با سازمان دهی وسیع اعتراض های مردمی و برخورد قاطع و سازش ناپذیر با این نقشه ها و ترفندهاست که می توان برنامه های ارتجاع حاکم را با شکست روبه رو کرد. مبارزه با نقشه های شوم شورای نگهبان، به عنوان دژ مستحکم ارتجاع و استبداد قرون وسطایی، بخش عرصه مهمی از مبارزه انتخاباتی است که همه نیروهای مترقی و آزادی خواه باید فعالانه در آن شرکت کنند. سازمان دهی جنبش مستقل و اعتراضی توده ها یگانه راه مطمئنی است که می تواند ارتجاع را زیر فشارهای خرد کننده وادار به قبول خواست های مردم کرده و در عین حال سد راه هرگونه حرکت سازشکارانه ای از سوی نیروهای متزلزل و بی اعتقاد به جنبش مردمی باشد. تجربه های قبلی نشان داده است که از رایزنی و سازش با شورای نگهبان ارتجاع و جناح «ذوب در ولایت» هیچ چیز جز سردرگمی و انفعال نصیب جبهه دوم خرداد نخواهد شد باید با تمام توان با این پدیده و خطر مبارزه کرد و با دخالت دادن مستقیم مردم در این عرصه مهم توازن قدرت را بر ضد ارتجاع بر هم زد.

بالا گرفتن اعتراض های...

روز روبه وخامت بیشتری است و کارگران و زحمتکشان پس از سال ها قول و شماره های عوام فریبانه و توخالی دفاع از «مستضعفان» خواهان تغییر سریع و فوری اوضاع کنونی هستند. در ماه های اخیر تشنج و درگیری در محیط های کارگری بالا گرفته است و کارگران با تمام توان به مقابله با سیاست های مخرب رژیم برخاسته اند. بر اثر اجرای سیاست خانمان برانداز خصوصی سازی واحد تولیدی و یا حراج مراکز تولیدی به کلان سرمایه داران که در بسیاری از موارد به تعطیلی فوری این مراکز تولیدی و بیکاری صدها کارگران منجر شده است، فشارهای اقتصادی - اجتماعی بر کارگران و زحمتکشان کشور دوچندان شده است. حزب توده ایران ضمن ابراز همبستگی با حرکات اعتراضی جنبش کارگری بر ضد سیاست های ضد مردمی رژیم همه نیروهای مترقی و آزادی خواه میهن را فرا می خواند تا متحداً به دفاع از جنبش کارگری و خواست های برحق آن برخیزند.

• اعتراض مردمی در چهار دانگه

در آخرین لحظاتی که ضمیمه «نامه مردم» برای انتشار آماده می شد مطلع شدیم که هزاران تن از اهالی بخش «چهار دانگه» در حومه تهران در اعتراض به کمبود امکانات معیشتی و رفاهی و همچنین روشن نبودن وضعیت منطقه ای این ناحیه دست به یک تجمع اعتراض آمیز زدند. این حرکت با دخالت خشن نیروهای انتظامی و پلیس ضد شورش و دفاع اهالی منطقه با چوب و سنگ به خشونت کشانده شد. بر اساس همین گزارش ها شماری از اهالی منطقه در این برخورد زخمی و شماری نیز توسط نیروهای امنیتی دستگیر شده اند که از سرنوشت آنان خبری در دست نیست.

ادامه رویدادهای ایران

این بحران پرداخته و می نویسد: «پس از انتخابات ریاست جمهوری، چند ماه به طول انجامید تا جناح راست پس از جمع بندی علل ضربه وارده موفق به تجدید سازمان روانی خود شود. متأسفانه بسیار زود مشخص شد که جناح مورد بحث نتوانسته است به درک درستی از علل و عوامل پدیده دوم خرداد دست یابد و لذا آن را در حد حادثه ای اتفاقی و کاملاً غیر منتظره که می توان از تکرارش پیشگیری کرد، تقلیل داد.»

«عصر آزادگان» با توجه به تحولات اخیر در میهن مان و تلاش رژیم ولایت فقیه برای بازگرداندن آب رفته به جوی که تغییرات مهمی را در عرصه سیاسی ایران به بار آورده است می نویسد: «جناح راست ممکن است با لطایف الحیل از جمله سعی در استحاله دوم خرداد و ماهیت آن، راهی برای مقاومت در برابر تغییرات بیابد. اما همچنان که گفته شد، حساسیت انحصار طلبان تنها متوجه برخی نمودها و بازتاب های ظاهری جریان تحول اجتماعی است و نه علل و عوامل ریشه دار آن. جامعه مانند هر پدیده دیگری، قانون مندی های خاص خود را دارد. مهم نیست که این قوانین در چارچوب چه دیدگاهی توضیح داده شود، مهم پذیرش اصل قانون مندی است. بزرگترین قانون اجتماعی نیز اصل تغییر است و اساسی ترین پیام دوم خرداد، ضرورت تغییر. اگر مخالفان اصلاحات اجازه ندهند انتخابات مجلس ششم همچون دوم خرداد راهی به سوی تغییر تدریجی جامعه ایران بکشاید، بدون تردید دیر یا زود، مستقل از خواست دوست یا دشمن باید منتظر بازتاب های تند ضرورت تغییر باشند.»

نابودی دگر اندیشان، مشی ثابت وزارت اطلاعات

هاشمی رفسنجانی طی مصاحبه مطبوعاتی که اواخر آذر ماه گذشته انجام داد، اعتراف جالبی کرد که خود جای تامل دارد. «سردار سازندگی» رژیم ولایت فقیه در جواب سؤال خبرنگار «صبح امروز» که در مورد قتل های زنجیره ای از او سوالی کرده بود و در مورد گفته فلاحیان که گفته بود برای جوابگویی با رئیس خود خواهم آمد، گفت: «اخیراً آقای فلاحیان در گفتگو با روزنامه انتخاب این سخن را تکذیب کرد.» وی افزود: «مساله قتل ها وضع روشنی دارد. کسانی که دستگیر شدند قبل از دوران ریاست جمهوری من در وزارت اطلاعات گزینش و مشغول به کار شده بودند. قتل ها هم که بعد از دوران من اتفاق افتاده. کسانی که بحث های انحرافی را مطرح می کنند با این مساله می خواهند تجارت کنند.» بنا به اعتراف رفسنجانی افراد مزبور که سازمان دهی قتل ها را انجام می داده اند، حداقل بیش از یک دهه است که جزو «سربازان گمنام آلمان» می باشند و در پست های کلیدی این وزارتخانه بر مصدر کار بوده اند. رفسنجانی اعتراف کرد که در دوران ریاست جمهوری او هم قتل های «مشکوک» صورت گرفت و قتل های زنجیره ای اخیر بعد از دوران ریاست جمهوری او انجام گرفته است. مقامات بالای رژیم ولایت فقیه سعی بسیار دارند که قتل های اخیر را منتسب به یک گروه محفلی کنند که خارج از بدنه «سالم» وزارت اطلاعات خود سرانه عمل می کرده اند. اگر اظهارات «استوانه انقلاب» را ملاک قرار دهیم به این نتیجه باید رسید که در طول حیات این وزارتخانه بررغم تغییر وزیران اطلاعات، رئیس جمهورها و شخصیت های ذی نفوذ، کار سرکوب و کشتار و شکنجه دگراندیشان توسط این دستگاه شکنجه و کشتار بدون وقفه ادامه داشته است. وزارت اطلاعات ابزاری است در دست رژیم ولایت فقیه برای تحکیم پایه های استبداد و جابجایی شخصیت ها نقش کلیدی را در سیاست های آن ایفاء نمی کند. وزارت اطلاعات بدنه «سالم» ندارد و باید منحل گردد.

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.
1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

Supplement to Nameh Mardom-NO 573
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

4 January 2000

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴ ۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e. V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse